

رواج زبان فارسی در کشمیر در قرون چهاردهم و پانزدهم

در نیمه اول قرن چهاردهم سید عبدالرحمن سهروردی ترکستانی ملقب به شرف‌الدین و معروف به بلبل شاه که استقرار حکومت اسلامی در کشمیر محض به نام او مربوط است، همچون ستاره درخشان در افق این سرزمین تجلی کرد. این شخص در تفکر مردم کشمیر گردش کلی به وجود آورد. محض با نفوذ و تبلیغ و راهبری او حاکم کشمیر، رتنجو که او را رینچن نیز می‌گفتند، از دین بودایی رو گردانیده، رسماً دین اسلام را قبول کرد.^۱ در واقع این دوره را می‌توان همچون آغاز حقیقی سلطنت اسلامی در کشمیر معرفی نمود. درباره وجه گرایش رینچن به دین اسلام نقل هم آورده‌اند که مختصر آن بدین طریق است:

وقتی که بلبل شاه به کشمیر آمد، او در کنار دریای جهيلم جای گرفت که در ساحل مقابل آن قصر رینچن واقع بود. باری سحری زود رینچن با شنیدن اذان بلبل شاه بیدار گشت و او را سر نماز دید. شنیدن صدای «الله اکبر» چنان روح رینچن را نوازش کرد که او بی‌اختیار نزد بلبل شاه رفته، با او هم صحبت شد و از مذهب او پرسید. پس از آشنایی با تعالیم عالی دین اسلام و رفع شک و گمان‌هایش رینچن به این دین ایمان آورد و سلطان صدرالدین نام گرفت. «طلوع آفتاب محمدی» مطابق به سال ۷۲۶ هـ / ۱۳۲۴ م. تاریخ روی آوردن رینچن به دین اسلام است.^۲

1. Parmu R. K., History of Muslim Rule in Kashmir, Delhi, p. 80.

۲. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میرسید علی همدانی، ص ۷۰؛ Hollister, John Norman. The Shi'a of India, p. 142; History of Muslim Rule in Kashmir, p. 80.

پس از به دین اسلام گرویدن و سلطان صدرالدین نام گرفتن رینچن، به دنبال او نه تنها اهل خانواده و خویشاوندان و عده‌ای از اعیان و اشراف کشمیر دین اسلام را قبول نمودند، بلکه هزارها تن از کشمیریان نیز به سعادت اسلام مشرف گردیدند که تعداد آنها را مفتی محمد سعادت ۱۰ هزار نفر نوشته است.^۱

سلطان صدرالدین اولین حکمران کشمیر می‌باشد که حکومت اسلامی را در این سرزمین برقرار نمود و حکومت هند در کشمیر خاتمه یافت.

به طوری که معلوم می‌شود، نفوذ اسلام در کشمیر خصوصیت اجباری نداشت و نه به راه ضرب شمشیر و اشغال کشور، زورآوری و خونریزی و مقابلهت شدید با مردم برای نفوذ عقاید بیگانه و نه از راه هندوستان که در آن زمان تحت سلاطین تغلقیه بود، بلکه کاملاً مستقیم و صلح‌آمیز، بدون جور و ستم وارد شد. این واقعه مهم هیچ عنصر خارجی در برداشت، بلکه نتیجه اوضاع داخلی نامساعد کشمیر بود که حتی از قرن یازدهم رو به تنزل بود و این احوال تا آغاز قرن پانزدهم ادامه داشت. در این زمان کشمیر از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نسبت به دیگر مناطق هندوستان شمالی خیلی عقب مانده بود.^۲ روند گذر به جامعه فئودالی در اینجا خیلی سست جریان گرفت.^۳ و مردم کشمیر در جستجوی چنین قوه‌ای بودند که در کشور امنیت و آسایش را برقرار نماید. این صورت حال برای گسترش اسلام در این سرزمین راه را هموار کرد.

یکی از عامل‌های مهم گرایش اهالی هندومذهب کشمیر به اسلام تقسیم جمعیت به کاست و طبقات مختلف نیز محسوب می‌شود. در این زمینه بود که نمایندگان طبقه‌های پایینی برای نجات یافتن از استبداد طبقاتی به دین هندویی اعتراض نموده، به دین اسلام روی می‌آوردند.^۴

اگرچه تعاملات کشمیر با مسلمانان چند قرن پیش آغاز یافته بود اما تنها با آمد بلبل شاه در کشمیر حکومت اسلامی استقرار یافت. این نکته را نیز باید تذکر داد که هرچند

۱. عبدالله، سید، ادبیات فارسی در میان هندوان، ص ۲۳.

۲. خواجه اعظم دیده‌مری، تاریخ اعظمی، ص ۵۳.

۳. همان، ص ۱۴۴؛ درخشان مهدی، بزرگان و سخن‌سرایان همدان، ج ۲، ص ۴۹.

۴. بزرگان و سخن‌سرایان همدان، ج ۲، ص ۱۳.

دین اسلام در کشمیر نسبت به مناطق دیگر هندوستان دیرتر انتشار یافت، ولی به زودی در این قلمرو آن چنان وسعت پیدا کرد که در هیچ گوشه‌ای از هند از چنین چنین وسعتی برخوردار نیست.

پس از وفات سلطان صدرالدین که ۲ سال و ۷ ماه عنان حکومت را در دست داشت، شاه میرزا که در دوره حکمرانی او در حکومت کشمیر مقام بلندی داشت و بالاخره وزیر سلطان گشته بود، در مبارزه‌های بین خودی پیروز شده، به نام سلطان شمس‌الدین بر تخت کشمیر نشست و حکمرانی سلاله شاهمیری آغاز شد.^۱ سلطان شمس‌الدین در دوره حکمرانی خود پراکندگی مملکت را برهم داد. من بعد بیش از دو قرن (۱۳۴۹-۱۵۶۱) نمایندگان خانواده شاهمیری در کشمیر حکمرانی نمودند.^۲

یکی از واقعه‌های مهمی که در دوره حکمرانی شاهمیریان به وقوع پیوست، ورود عارفان زیادی از نقاط مختلف آسیای مرکزی و ایران به کشمیر بود که برای تعلیم و تبلیغ دین اسلام به این سرزمین قدم گذاشتند و مردم این خطه را مورد هدایت قرار دادند. خصوصاً، فعالیت‌های عارفان بزرگ امثال میر سید علی همدانی، میر محمد علی همدانی و میر شمس‌الدین عراقی در ترویج و گسترش کامل دین اسلام در این سرزمین تأثیر فراوانی داشت.

فعالیت این عرفا برای گسترش زبان فارسی در کشمیر نیز زمینه خوبی فراهم آورد. همزمان با ترویج و گسترش کامل دین مبین اسلام در کشمیر زبان و ادبیات فارسی که خود وسیله تبلیغ فرهنگ اسلامی در این سرزمین محسوب می‌گشت، خیلی تکامل یافت. مورد تذکر است که مردم کشمیر تا این زمان با زبان فارسی آشنایی داشتند، اما در نتیجه حکمرانی سلسله‌های مسلمان و ورود عارفان بزرگ، سخنوران و دانشمندان فارسی‌زبان، زبان فارسی در این سرزمین نفوذ زیاد پیدا نموده، به حلقه خاص و عام درآمد، در محافل ادبی محبوبیت تمام پیدا کرد و بتدریج همچون زبان کارگزاری و علم و ادب مقام زبان فرهنگی کشور را به دست آورد. زبان سنسکریت که در زمان

1. Smith V. A. The Oxford History of India, p. 279.

2. The Oxford History of India, p. 278-279.

حکمرانی کنیشکه (سده اول میلادی) وارد این سرزمین شد و در زمان حکومت راجه‌های کشمیر و برای یک دوره معین در عهد سلاطین شاهمیری زبان رسمی این سرزمین بود^۱ و در طول قرن‌ها سخن‌سرایان کشمیری چون کشیمیندره، سامدیوه، کلهنه، بهمهه، اندهوردنه، ابهینوگوپته، بهسکر، سامنده، اتپل‌چریه و دیگران اثرهای گران‌بهای دینی و فلسفی و علمی و ادبی به این زبان تألیف نموده بودند، جای خود را به فارسی داد. در زمان سلطان شهاب‌الدین (۱۳۵۴-۱۳۷۳) زبان سنسکریت جای خود را به زبان فارسی داد^۲.

اگرچه زبان فارسی تنها در قرن ۱۴ وارد کشمیر گشته اما در اینجا موقعیت خیلی قوی پیدا نمود، در طول ۶ قرن گذشته از این خطه آن قدر عالم و شعر فارسی‌گو برخاستند که تاریخ چنین ادوار پربار معنوی را کم در خاطر دارد. گسترش زبان فارسی و تجلی آن آنچنان به بلندی رسید که حتی پندیت‌های کشمیر آن را چون زبان علمی و ادبی اختیار نمودند و بعضی کتب دینی خود را هم به زبان فارسی نوشتند. همچنان که لاهور را «اصفهان ثانی» و «غزنین خرد» می‌گفتند، کشمیر را «ایران صغیر» می‌نامیدند. این افتخار فقط نصیب کشمیر شده است و این بی‌سبب نیست. به قول خواجه عبدالحمید عرفانی:

”در تاریخ دنیا کم‌تر نظیر دارد که یک ملت به وسیله تدریس و تعلیم زبان خارجی را یاد بگیرد و در آن زبان آثار پرارزش مثل کشمیری‌ها به یادگار گذارد“^۳.
به طوری که تأکید شد، سعی و کوشش عرفای بزرگ مانند میر سید علی همدانی، سید جلال الدین، میر محمد علی همدانی، میر شمس‌الدین عراقی و دیگران بود که مردم این خطه را مورد هدایت قرار دادند.
باید گفت که میر سید علی همدانی نسبت به تمام مبلغان دیگر اسلام در کشمیر معروف‌تر است او از بزرگ‌ترین شخصیت‌های روحانی این سرزمین به شمار می‌رود.

۱. سروری، عبدالقاکو، *میں فارسی ادب کی*، ی. ا. ا. ص ۲۸۹؛ سیریب ریکاو، ادبیات خلق‌های هند، ۱۰۵-

۱۲۶؛ عرفانی، خواجه عبدالحمید، *ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر*، ص ۱۲۸.

کشمیر میں فارسی ادب کی، ی. ا. ا. ص ۴۳.

۳. *ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر*، ص ۴۷.

مردم کشمیر در همه زمان‌ها به شخصیت او اعتقاد عظیم داشتند. ع. غفّاراف نوشته که
 ”علی همدانی را رهبر بزرگ کشمیر می‌نامند“^۱. و این بی‌سبب نیست، زیرا به قول
 دانشمند ایرانی مهدی درخشان او به کشمیر رفته، ”خلقی را مرید خود ساخت“^۲.

میر سید علی همدانی چندین بار به کشمیر سفر کرده است. بار اول (سال ۱۳۷۲ هـ)
 در عهد سلطان شهاب‌الدین همراه ۷۰۰ نفر خویش و اقربا و مریدان و شاگردان وارد
 کشمیر شد، در محله علی‌الدین پور فرود آمد و چهار ماه در آنجا اقامت داشت. آن وقت
 میان سلطان شهاب‌الدین و سلطان فیروزشاه تعلق جنگ عظیمی برپا بود. بنا بر سعی میر
 سید علی همدانی که برای برقرار نمودن صلح در شهر فیروزپور با سلطان شهاب‌الدین
 ملاقات نمود، کار با صلح انجام یافت و ولایت پنجاب تا مرز سرهند تحت تصرف
 شهاب‌الدین محمد درآمد.^۳

مسافرت دوم میر سید علی همدانی به کشمیر (سال ۱۳۷۹ هـ) در زمان سلطان
 قطب‌الدین صورت گرفت و مدت ۲ تا ۵ سال طول کشید. بار سوم (سال ۱۳۸۴ هـ) در
 این دیار تنها چند روز توقف نموده است و بس. م. سلطانزاده در این خصوص می‌نویسد:
 ”به عقیده ا.ا. سیمیاناف میر سید علی همدانی ۶ سال و به گفت میرزا حیدر چهل
 روز و به قول خواجه اعظم دیده‌مری کشمیری ۳ سال در کشمیر زندگی کرده است.
 به فکر ما هر سه مؤلف هم به ناصحیحی راه داده‌اند... از مقایسه و مشاهده دلیل و
 سندهای سفر و زندگی میر سید علی همدانی به چنین خلاصه‌ای آمدن ممکن است که
 در کشمیر و مضافات‌های آن ۵ سال اقامت ورزیده“.

سید محمد خاوری به مناسبت سفر اول میر سید علی همدانی به کشمیر ابیات ذیل
 را سروده است:

میر سید علی شه همدان سیر اقلیم سبعة کرد نکو
 شد مشرف ز مقدمش کشمیر اهل آن شهر را هدایت‌جو

۱. ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر، ص ۶۴.

۲. بزرگان و سخن‌سرایان همدان، ص ۸۳.

۳. تاریخ حسن، ج ۲، ص ۱۷۳.

سال تاریخ مقدم او را یابی از مقدم شریف او

میر سید علی همدانی چندین سال حیاتش را در آنجا گذرانیده، سلسله مرتب عرفانی را در این سرزمین به وجود آورد. وی مبلغان و واعظان متعدد را تعلیم داده، آنها را به نقاط گوناگون کشمیر ارسال می‌کرد، تا مردم را با تعلیمات اسلام‌شناس نمایند. شاگردان میر سید علی همدانی در سر تا سر کشمیر خانقاه و مدرسه‌ها تأسیس نمودند. چنانچه، سعید محمد قُریشی در بهجاره مقیم گشته، آنجا یک مسجد کلان ساخت. سید جلال‌الدین عطایی در موضع شیرپرگنه سکونت نموده، در همانجا تعلیمات اسلامی را رواج داد. حضرت سید کمال در درین شهر به کارهای تبلیغاتی مشغول گشت. حضرت میر رکن‌الدین و سعید فخرالدین به امر میر سید علی همدانی در موضع آنپور سکونت نمودند.

میر سید علی همدانی در کشمیر کتابخانه بزرگ خود را تأسیس کرد.^۱ میر سید علی همدانی بین سلاطین و بزرگان و سایر افراد این دیار نفوذ مذهبی بسیار داشت. حکمرانان کشمیر، سلطان شهاب‌الدین و سلطان قطب‌الدین از مریدان او گشتند. به توصیه او سلطان شهاب‌الدین در سری‌نگر مسجد جامع بنا کرد. سلطان قطب‌الدین نیز به رهنمایی او عمل می‌کرد و اوامرش را با دل و جان به جا می‌آورد. او با شنیدن خبر ورود میر سید علی همدانی به سرزمین کشمیر با امرای مملکت برای پیشوازش از شهر بیرون رفته، در محله علی‌الدینپور منزل شایانی برای اقامت او تهیه نمود. سلطان قطب‌الدین با اخلاص و آداب محبت و ارادت هر روز به خدمتش می‌رفت، از صحبت‌هایش بهره‌ور می‌گشت و همه نصیحت‌ها و توصیه‌های او را به اجرا می‌آورد. او لباس هندوان که تا آن زمان بر تن می‌کرد، کنار گذاشت و از دو خواهر که در ازدواج وی بوده‌اند، یکی را طلاق داد.^۲ بنا بر فرمایشات او مدرسه‌ها و مرکزهای تعلیمی اسلامی در هر ده تأسیس شد. از آن جمله، اولین مدرسه اسلامی با نام «مدرسه القرآن» نیز بناکرده اوست که در آنجا علوم اسلامی و زبان‌های عربی و فارسی

۱. تاریخ اعظمی، ص ۳۷.

۲. تاریخ حسن، ج ۲، ص ۱۷۳.

درس داده می‌شد. در مدرسه مذکور شیخ سلیمان که قبلاً هندو بود و به ارشاد و هدایت شاه همدان به دین اسلام رو آورده به آموزش «قرآن» توجه ظاهر نموده بود، به تحصیل پرداخت و پس از آن همچون یکی از مفسرین نامور «قرآن» شناخته شد. در مدارس متعدد دیگری که در آن زمان در شهر و دهات مهم کشور بنیاد گشت، تعلیم زبان فارسی آغاز گردید.^۱

سید علی همدانی کلاه مبارک خود را به سلطان قطب‌الدین عطا نمود. سلطان آداب قبول آن را به جا آورده، آن را به سر خود نهاد و این عنعنه تا آخر سلطنت خانواده شاهمیریان ادامه یافت. تا آن دمی که با خواهش سلطان فتح شاه کلاه علی همدانی در کفن او پیچانیده شد (۱۵۱۶)، سلاطین شاهمیری کلاه او را به سر می‌نهادند.^۲

در ظرف دو و نیم سالی که میر سید علی همدانی در کشمیر اقامت داشت، بین او و برهمنان کشمیر مباحثه و مناظره برگزار می‌شد و در پرتو هدایت او برهمنان کشمیر گروه، گروه به دین اسلام روی می‌آوردند.

کشمیر را به شرافت دانشمند و عارف نامور میر سید علی همدانی و عرفای دیگر همچون مهد تصوف و عرفان شناخته‌اند. مدتی در کشمیر زیستن و به ارشاد اشتغال داشتن میر سید علی همدانی از قرن چهاردهم این خطه را مهد تربیت و رشد شخصیت‌های عرفانی ممتاز گردانید. از بس که فضای معنوی کشمیر از فیض و رایحه عرفان وحدت الوجودی معطر گشته بود، ناگزیر در آیین شعر متجلی شد. علاوه بر غزل و قصاید عرفانی مثنوی‌ها و داستان‌های عارفانه عرض وجود کردند که «بحرالعرفان» اکمل بدخشی، «عین‌العرفان» عبدالوهاب نوری، «نور علی نور» محمد افضل سرخوش، «عدت‌اللقا» و «کنز‌العشق» شیخ محمد چشتی راده و «تنبیه‌القلوب» حبیبی، مثنوی عرفانی در موضوع محلی گفته کامل بیگ بدخشی «اکندن» از جمله آنهاست.

۱. کشمیری ادب. کی. آر. تی. ص ۴۳-۴۴؛ تاریخ اعظمی، ص ۴۲.

۲. غفاراف ع. محمد اقبال، ص ۲۰۶؛ احوال و آثار و اشعار میرسید علی همدانی، ص ۷۳؛ سلطان‌زاده، ماهر خواجه، سرسخن، ص ۲۴؛ ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر، ص ۱۰-۱۱.

شایان یادآوری است که وقتی میر سید علی همدانی در سال ۱۳۷۲ به کشمیر تشریف آورد، شعر فارسی در این دوره رواج یافته بود، چون شاعری به نام سعید محمد خاوری تاریخ ورود او را منظوم ساخت^۱ اما رواج زبان و ادبیات فارسی در کشمیر به آن نیز وابسته بود که شهاب‌الدین (۱۳۵۴-۱۳۷۳)، قطب‌الدین (۱۳۷۳-۱۳۸۹)، سکندر (۱۳۸۹-۱۴۱۸) و خصوصاً زین‌العابدین (۱۴۲۰-۱۴۷۰) و دیگر سلاطین علم‌دوست و ادب‌پرور شاهمیری به زبان و ادبیات فارسی توجه بی‌اندازه داشتند و برای گسترش آن در کشمیر سعی فراوانی به خرج دادند. همچنین، اهل علم و ادب فارسی را که از مرکزهای اسلامی آن دوره به مانند هرات، مرو، بغداد و سمرقند و بخارا رو به کشمیر نهادند، تقدیر و پذیرایی می‌نمودند. از تشویق و حمایت سلاطین سخن‌شناس و ادب‌پرور کشمیر برخوردار شده، گروه گروه نمایندگان علم و ادب از ورارود و اطراف آن جانب کشمیر رهسپار شدند و وجود آنها بر زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم تأثیر عمیق گذاشت^۲.

محض در دوره حکمرانی سلطان شهاب‌الدین زبان فارسی چون زبان رسمی دولتی اعتبار زیاد پیدا کرد. در مدارس دینی در برابر تعلیم علوم مذهبی تدریس زبان فارسی گواه آن بود که امرا به مسئله ترویج زبان فارسی اهمیت بی‌اندازه ظاهر می‌نمایند. راجع به این مسئله نیز در سرچشمه‌ها نظرات خویش را دانشمندان و مورخان ارائه نموده‌اند. عبدالقادر سروری عهد سلطان قطب‌الدین را "زمان ارتقای زبان و علم و ادب فارسی در کشمیر"^۳ می‌نامد. به همت این سلطان که به شعر و ادب علاقه وافری داشت و به فارسی شعر هم می‌گفت، کتابخانه‌ها و مدرسه و خانقاه‌ها برپا گردید. دارالعلومی که او تشکیل داد، تا قرن نوزدهم تعلیم‌گاه اساسی علم و ادب فارسی در این سرزمین به شمار می‌رفت^۴.

۱. ریاض، محمد، فارسی سرایان کشمیر در دوره پیش از تیموریان، ص ۵۲.

2. Tikku, G. L. Persian poetry in Kashmir, p. 12-19.

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۴۴.
۴. همان.

در عهد سلطان سکندر مدرسه اسلامی تأسیس یافت که به سبب این که نزدیک مسجد جامع بود به نام مدرسه مسجد جامع مشهور گشت. در آن مدرسه میر محمد علی بخاری، ملا محمد یوسف کشمیری، ملا صدرالدین کاشی، مولانا سید حسین منتقی و غیره درس می‌دادند. در آن دوره جمال‌الدین مدهوش که به همراه امیر کبیر به کشمیر آمده بود، مدرسه‌ای به نام «عروة الوثقی» تأسیس نمود.^۱

دوره حکومت سلطان زین‌العابدین که آن را «درخشان‌ترین دوره تاریخ پنج صد ساله حکومت اسلامی در کشمیر» نامیده‌اند، یکی از بهترین دوره‌های ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشمیر به شمار می‌رود. در این دوره زبان فارسی به حیث زبان رسمی کشمیر مقام کسب کرد. در دوران حکومت او علم و ادب در این سرزمین به طور عموم پیشرفت قابل ملاحظه نمود. دانشمند هندی سید عبدالله می‌نویسد که سلطان زین‌العابدین «فیاض اهل علم بود و از ارباب علم قدردانی می‌کرد، دربارش همواره گهواره علمای هندو و مسلمان بود و بیشتر با ایشان راجع به مطالب علمی بحث و مناظره می‌کرد».^۲

محب‌الحسن به این معنی نگاشته است که سلطان زین‌العابدین «در رواداری و دلچسپی به شعر و ادب و قدردانی اهل سخن از اکبر و محمد قلی قطب شاه پیشرو بود».^۳ این سلطان فرهنگ‌پناه و سخن‌پرور که دارای طبع موزون بوده، بدهتاً اشعار ناب نیز می‌سرود، به طریق جدی و با شور و حرارت فوق‌العاده به نشر و ترویج زبان و ادبیات فارسی در این سرزمین توجه نمود و بی‌شک، سهم او در گسترش زبان فارسی در کشمیر و زبان رسمی شدن آن بزرگ است. انتساب دو اثر منشور فارسی نیز گواهی به اعتبار او در ترویج زبان فارسی می‌باشند. دارالعلوم که او در نوشهره (نزدیک سری‌نگر) بنیاد نمود، مرکز اشاعت زبان فارسی و عربی در کشمیر گشت. برای پیشرفت این دانشگاه سلطان زین‌العابدین از ایران و آسیای مرکزی سخنوران و

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۴۵.

۲. ادبیات فارسی در میان هندوان، ص ۲۸.

3. Kashmir under the Sultans, p. 255.

دانشمندان زیادی را دعوت کرد. از جمله، مولوی کبیر که به دعوت او از هرات به کشمیر آمده بود، ریاست این دانشگاه را بر عهده داشت.^۱ شیخ اسماعیل کبروی، ملّا پارسا، سید حسن منتقی، ملّا احمد کشمیری، ملّا حافظ بغدادی، ملّا جمال‌الدین خوارزمی، میر علی بخاری، مولانا بصیر، ملّا یوسف راشدی و دیگر اهل علم و ادب زمان از استادان این دانشگاه بوده‌اند.^۲

سلطان زین‌العابدین برای دانشجویان کتابخانه بزرگی تشکیل داده، به مقصد به دست آوردن نسخه‌های خطی کتب ادبی و دینی به زبان‌های فارسی و عربی و سنسکریت هدیه‌های زیادی به امرای ایران و افغانستان و گجرات و سند می‌فرستاد.^۳ سلطان زین‌العابدین که به نشر و ترجمه آثار گران‌بهای سنسکریت به فارسی توجه خاصه‌ای داشت، «دارالترجمه» (متعلق به دارالعلوم) تأسیس کرد. توسط ۲۱ نماینده علم و ادب فارسی و عربی و ۱۰ نفر عالم سنسکریت که اعضای «دارالترجمه» بودند، با فرمان سلطان، اثرهای برجسته مدنیته قدیم هندوها به زبان فارسی برگردانیده شدند. مثلاً، ملک‌الشعرا دربار زین‌العابدین، ملّا احمد کشمیری با کمک پندیت‌ها حماسه بزرگ «مهابهارته»، داستان تاریخی «راج ترنگینی» کلهنه، «کته سیریت ساگر» سامدیوه را به فارسی ترجمه کرد. شستره‌ها و ویدها نیز به فارسی ترجمه شدند.^۴ از دیگر طرف، آثار فارسی نیز به زبان سنسکریت ترجمه می‌شدند که این نکته نیز در ترویج زبان و تفکر فارسی بی‌تأثیر نماند. مثلاً، مورخ مشهور کشمیر شریوره «یوسف و زلیخا»ی عبدالرحمن جامی را به زبان سنسکریت درآورد (۱۵۰۵).^۵ جواهرلعل نهرو این اقدام سلطان زین‌العابدین را همچون خدمت بزرگ او در ترویج ادبیات فارسی در کشمیر به قلم داده است.^۶

۱. کشمیر فامیلی ادب. کی. ی. ارتخ، ص ۵۹؛ Tikku, G. L. Persian poetry in Kashmir (1339-1846), Berkelly, p.16.

کشمیر میں فارسی ادب. کی. ی. ارتخ، ص ۶۳.

3. Kashmir under the Sultans, p. 73.

۴. سعادت، مفتی محمد شاه، بلبل شاه صاحب، ص ۴۵۶؛ کشمیر فامیلی ادب. کی. ی. ارتخ، ص ۶۳-۶۴.

کشمیر میں فارسی ادب. کی. ی. ارتخ، ص ۶۲.

۶. بلبل شاه صاحب، ص ۳۸۴.

در این دوره زبان فارسی بین هندوان کشمیر نیز رواج کامل یافت و در این راه سلطان زین‌العابدین کوشش زیادی به خرج داد. او می‌خواست که زبان فارسی زبان معاشرت مردم غیرمسلمان نیز باشد که در کشمیر سکونت داشتند. یکی از اقدام‌هایی که او در این جاده عملی گرداند، این بود که او بچه‌های پندیت‌ها را که به مدرسه داخل می‌شدند، به زیر سرپرستی خود گرفته، به آنها ماهانه می‌داد و پس از اتمام تعلیم برای ایشان منصب‌های خوب هم مقرر می‌کرد.^۱

لازم به یادآوری است که برای ترویج زبان فارسی در کشمیر پندیت‌ها خدمات شایسته‌ای به سامان رسانیده‌اند. نخست پندیت‌ها به تحصیل و آموزش زبان و ادبیات فارسی گام برداشتند. پندیت‌ها از زمان قدیم به زبان فارسی آشنایی داشتند. حتی تا عهد قطب‌الدین پندیت‌هایی کم نبودند که به این زبان آزادانه حرف می‌زدند.^۲ در زمان سلطان زین‌العابدین هندویی به نام یادبته از اولین مصنفان به زبان فارسی بوده است. او همچنین، «جین پرکاش» را از سنسکریت به زبان کشمیری ترجمه نموده بود.^۳ بنا به معلومات «تاریخ فرشته» یادبته «شاهنامه» فردوسی را از یاد می‌دانست و آن را با صدای دلپذیر قرائت می‌کرد و حتی به زبان هندی ترجمه هم کرده است.^۴

سلطان زین‌العابدین برای تعلیم علم طب دارالشفا نیز بنیاد کرد که در آن به فارسی تعلیم داده می‌شد. طبیب مشهور زمان محمد ابن احمد ابن یوسف ابن الیاس که رساله طبّی اش «کفایه مجتهدیه» در تمام هندوستان اشتهار داشت، در این مدرسه مشغول تدریس بود.^۵

نظر داشت به این اعمال و دیگر کارهایی که سلاطین شاهمیری در بنیاد مساجد و مدارس کرده‌اند، امکان می‌دهد که بگوییم که آنها در رواج اسلام و قبول آن در کشمیر و در برابر آن در گسترش زبان فارسی در این سرزمین سهم زیادی داشته‌اند.

۱. کشمیر میں فارسی ادب، کئی، ی، ارتج، ص ۶۶.

۲. ادبیات فارسی در میان هندوان، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۸؛ Persian poetry in Kashmir, p. 16.

۴. کشمیر میں فارسی ادب، کئی، ی، ارتج، ص ۱۵۶.

۵. همان، ص ۵۶.

سلطان زین‌العابدین در عهد خود زبان فارسی را زبان رسمی قرار داد. او با نهایت وسعت قلب به تشویق و حمایت شعرا و ادبای فارسی کوشید. از این لحاظ، در دربار او سخنوران مشهور و دانشمندان معروف زمان مانند ملّا احمد کشمیری، مولوی کبیر، ملّا پارسا، مولانا قادری، ملّا ضیایی، ملّا ندیمی، ملّا فصیحی، ملّا جمیل، ملّا احمد رومی، ملّا محمد رومی، ملّا نورالدین، ملّا علی شیرازی، مولانا حسین غزنوی، مولانا سید محمد منتقی، ملّا حافظ بغدادی، مولانا جمال الدین، قاضی علی سید، ناصرالدین بیهقی و دیگران جمع شده بودند. خواجه اعظم دیده‌مری در این مورد نوشته که:

”در عهد سلطان زین‌العابدین فضلا و شعرای بسیار در کشمیر بودند، چه از مولد ولایت و چه از متولّدان این شهر“^۱.

در دوره حکمرانی چک‌ها (۱۵۶۱-۱۵۸۹) شعر فارسی در کشمیر بیشتر رونق گرفت. البته، پس از وفات سلطان زین‌العابدین (۱۴۷۰) سلاطین شاهمیری برای ترویج و تشویق زبان و علم و ادب فارسی، به تأسیس مدرسه‌ها پرداختند، ولی ناسازگاری‌های داخلی فرصت کافی برای این کار باقی نگذاشت. شاهان چک در کشمیر تنها ۳۰ سال حکمرانی نمودند، ولی در این مدت کوتاه بر اثر توجه بی‌پایان بعضی از حکمرانان شاعر و موزون طبع این سلاله، امثال حسین شاه (۱۵۶۱-۱۵۷۰)، علی شاه (۱۵۷۰-۱۵۷۹) و یوسف شاه (۱۵۸۰-۱۵۸۶) به علم و ادب فارسی، قدردانی و سرپرستی آنها از اهل علم و سخن که شعرای بسیاری را در دربار خود پرورش دادند و با کوشش بی‌اندازه‌شان زبان و ادبیات فارسی و شعر و شاعری در کشمیر رواج کامل پیدا نمود. عبدالقادر سروری با تکیه به معلومات «تاریخ حسن» از کساد بازار علم و فن در کشمیر که پس از وفات سلطان زین‌العابدین به نظر می‌رسید، افسوس خورده، چنین می‌نویسد:

”پس، در عهد چکان حسین شاه چک که در سخن‌گستری طبع عالی داشت و پرورش و قدردانی سخنوران بسیاری را کرد، حرفه شعر و سخن اندک رواج یافت“^۲.

۱. تاریخ اعظمی، ص ۴۹.
کشمیر میں فارسی ادب، کئی، تاریخ، ص ۷۴.

از بس که شاهان چک مذهب شیعه را در کشمیر رسمیت داده بودند^۱، چندین سخنور و دانشمند شیعه مذهب از ایران و آسیای مرکزی جانب کشمیر رخت سفر بر بستند. ملّا نامی، ملّا مهری، مولانا میر علی، ملّا محمد امین مستغنی، ملّا عینی، بابا داوود خاکی، خواجه میرم بزّاز، خواجه حسن قاری، خواجه اسحاق قاری و دیگران از شعرای معروف این دوره به شمار می‌روند.

همین طریق، در دوره حکومت مستقل مسلمانان کشمیر (قرن‌های ۱۴-۱۶) زبان فارسی رواج کامل یافته، نه تنها برای امور مذهبی و علمی و اداری و دولتی به کار می‌رفت، بلکه در زمینه‌های مختلف ادب به این زبان آثار گران‌بها به ظهور رسید.

در قرن‌های بعدی نفوذ زبان فارسی در کشمیر باز هم بیشتر گردید و این با تصرف این قلمرو از جانب تیموریان هند ارتباط قوی دارد. در این دوره زبان فارسی در کشمیر از هر وقت بیشتر رواج یافت و در تمام رشته‌های حیات علم و فرهنگ مقام استوار پیدا نمود. در رابطه با همین انکشاف محیط ادبی فارسیانه بود که زبان فارسی نیز در کشمیر خیلی ترویج یافته و به اوج اعلاّی خویش رسید.

همین طریق، زبان فارسی در کشمیر به تاریخ این قلمرو رابطه قوی داشته، ورود خاندان‌های فارسی‌نژاد و دولت‌داری‌های فارسی راه تأثیر زبان فارسی را نیز به این منطقه باز نمود. امّا رکن مهم و اساسی انتشار زبان فارسی در کشمیر راهنمایی اسلام در این منطقه می‌باشد که آن اساساً با زبان فارسی و از جانب فاضلان فارسی زبان صورت می‌گرفت.

منابع

۱. اشرفیان ک.ز. فنودالیزم هندوستان، مسکو، ۱۹۷۷.
۲. خواجه اعظم دیده‌مری، تاریخ اعظمی، سری‌نگر، ۱۸۸۶.
۳. درخشان، مهدی، بزرگان و سخن‌سرایان همدان، ج ۲، تهران، ۱۳۴۱.
۴. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میرسید علی همدانی، تهیه احمداف س. و سلطانات م.

1. The Shi'a of India, p. 147.

- دوشنبه، عرفان، ۱۹۹۵.
۵. ریاض، محمد، فارسی سرایان کشمیر در دوره پیش از تیموریان «هلال»، شماره ۲، ۱۹۷۲.
۶. سالار عجم، تهیه و سرسخن ماهر خواجه سلطانزاده، دوشنبه، پیوند، ۱۹۸۵.
۷. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں فارسی ادب: کی تاریخ، سری نگر، ۱۹۶۸.
۸. سعادت، مفتی محمد شاه، بلبل شاه صاحب، سری نگر، ۱۳۶۰.
۹. سلطانزاده، ماهر خواجه، سرسخن/میرسید علی همدانی شاه همدان، آثار منتخب، ج ۱، دوشنبه، عرفان، ۱۹۹۴.
۱۰. سیریب ریکاو، آثار کشمیر به زبان سانسکریت در عصر هفت و سیزده، مسکو، ۱۹۸۲.
۱۱. سیریب ریکاو، ادبیات خلق‌های هند، مسکو: وسشیه شکاله، ۱۹۸۵.
۱۲. سیریب ریکاو، روند ادبی در هند، مسکو، ۱۹۷۹.
۱۳. عبدالله، سید، ادبیات فارسی در میان هندوان/ترجمه دکتر محمد اسلم خان، تهران، ۱۳۷۱.
۱۴. عرفانی، خواجه عبدالحمید، ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر، تهران، ۱۳۳۵.
۱۵. غفّاراف ع، محمد اقبال، دوشنبه، دانش، ۱۹۷۷.
۱۶. لونیه ب.ن، تاریخ فرهنگ هند از دوره قدیم تا زمان ما، مسکو، ۱۹۶۰.
17. Hasan, Mohibbul, Kashmir under the Sultans, Calcutta, 1959.
18. Hollister, John Norman, The Shi'a of India, London, 1953.
19. Parmu R. K., History of Muslim Rule in Kashmir, Delhi, Ahmadabad, Bombay, 1969.
20. Smith V. A., The Oxford History of India, Oxford, 1964.
21. Tikku, G. L, Persian poetry in Kashmir (1339–1846), Berkelly, Los Angeles.